

غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفہ عرفان

منازل السائرين ومقامات العارفين

مقدمہ، ترجمہ و شرح

قاسم کاکاوی

(داشیردانشگاه شیراز)

بنام گنجینه

انتشارات فرهنگستان هنر

پاییز ۱۳۸۷

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

بخش اول: مکتب شیراز و غیاث‌الدین منصور دشتکی

فصل اول: مکتب شیراز قبل از ملاصدرا ۱۹

دورهٔ فترت یا مکتب شیراز؟ ۲۵

فصل دوم: میر صدرالدین دشتکی (سید سند) ۳۳

میر صدرالدین محمد دشتکی ۳۴

آثار و برکات علمی صدرالدین محمد ۳۷

ملاصدرا و سید سند ۴۳

خاندان دشتکی ۴۵

فصل سوم: محقق خفری ۴۹

محقق خفری و حکمت متعالیه ۵۱

طریق اول ۵۳

طریق دوم ۵۴

ملاصدرا و محقق خفری ۵۶

آثار خفری ۵۸

شاه طاهر بن رضی‌الدین (شاه طاهر دکنی) ۶۱

- ۶۵..... آثار شاه طاهر
- ۶۵..... حاج محمود نیریزی
- ۶۷..... فصل چهارم: میر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی
- ۶۸..... ویژگی مهم غیاث‌الدین منصور
- ۶۹..... فرزندان غیاث‌الدین منصور
- ۶۹..... غیاث‌الدین منصور و دولت صفوی
- ۷۰..... غیاث‌الدین منصور و مقام صدارت
- ۷۱..... انزوای سیاسی غیاث‌الدین منصور
- ۷۹..... امیر صدرالدین محمد ثانی
- ۸۲..... آثار و افکار غیاث‌الدین منصور
- ۹۱..... غیاث‌الدین منصور و محقق دوانی
- ۹۵..... مشرب فکری غیاث‌الدین منصور
- ۹۹..... فصل پنجم: شاگردان غیاث‌الدین منصور دشتکی
- ۱۰۰..... ۱. صدرالدین محمد ثانی
- ۱۰۳..... ۲. مولی کمال‌الدین حسین اردبیلی معروف به الهی
- ۱۰۴..... ۳. جمال‌الدین محمود شیرازی
- ۱۰۷..... ۴. ملا حبیب‌الله باغنوی معروف به میرزا جان شیرازی
- ۱۰۹..... ۵. میرزا شرف جهان قزوینی (۹۱۲ - ۹۶۹ ق)
- ۱۰۹..... ۶. میرفخرالدین استرآبادی معروف به سماکی
- ۱۰۹..... ۷. میرزا قاسم گنابادی
- ۱۰۹..... ۸. کمال‌الدین حسین ضمیری اصفهانی
- ۱۱۰..... ۹. مولانا شیخ احمد
- ۱۱۰..... ۱۰. مولانا مصلح‌الدین محمد عبادی لاری
- ۱۱۱..... ۱۱. تقی‌الدین ابوالخیر محمد فارسی
- ۱۱۱..... ۱۲. شیخ منصور باغنوی

فهرست مطالب / ۷

۱۳. میر ابوالفتح ابن امیر مخدوم حفید میرسید شریف..... ۱۱۱
۱۴. مولی وجیه‌الدین سلیمان القاری الفارسی..... ۱۱۱
۱۵. ابوالقاسم ابن ابی حامد نصرالبیان الانصاری الکاآرونی..... ۱۱۱
۱۶. مولی تقی‌الدین محمد..... ۱۱۱
۱۷. امیر فتح‌الله شیرازی..... ۱۱۲
۱۸. محمود بن محمد دهدار (عیانی)..... ۱۱۳
۱۹. محمد دهدار (فانی)..... ۱۱۴
- فصل ششم: مکتب شیراز پس از غیاب‌الدین منصور..... ۱۱۹
- شکوائیه‌های ملاصدرا از اوضاع شیراز..... ۱۲۲
- مکتب شیراز پس از ملاصدرا..... ۱۲۴

بخش دوم: تصحیح، ترجمه و شرح رساله منازل السائرین ومقامات العارفين

- مقدمه..... ۱۲۹
- نام رساله..... ۱۳۲
- تاریخ تألیف رساله..... ۱۳۲
- موضوع رساله..... ۱۳۲
- بررسی روش، محتوا و منابع رساله..... ۱۳۳
- نگاهی اجمالی به مطالب رساله..... ۱۳۵
- نکاتی درباره تصحیح این رساله..... ۱۳۹
- متن عربی رساله..... ۱۴۹
- المقالة الاولى..... ۱۵۱
- اشاره اجمالية الى السلاک والنساک و اعراضهم و اغراضهم..... ۱۵۱
- المقالة الثانية..... ۱۵۳
- المقالة الثالثة..... ۱۶۰

المطلب الاول، المقدمات.....	۱۶۰
المطلب الثانى، فى الاصول.....	۱۶۰
المطلب الثالث.....	۱۶۲
تبصرة.....	۱۶۹
اشارات الى مخافات هذه المنازل.....	۱۶۹
تذكرة.....	۱۷۲
انصاف لرفع الخلاف بتدقيق لتوفيق،.....	۱۷۴
تبصرة.....	۱۷۵
تذكرة.....	۱۷۵
تنبيه.....	۱۷۶
المقالة الرابعة.....	۱۷۶
اشارة اجمالية الى جمل من الاحوال.....	۱۷۹
اشارات الى علامات يعرف بها العارف.....	۱۸۱
اشارة.....	۱۷۲
اشراق شمسى من نور شرقى منصورى.....	۱۸۲
ترجمة رساله.....	۱۸۵
مقدمه.....	۱۸۵
معرفى رساله.....	۱۸۶
اهميت موضوع رساله.....	۱۸۶
گفتار اول.....	۱۸۷
گفتار دوم.....	۱۹۰
گفتار سوم.....	۱۹۸
گفتار چهارم.....	۲۱۵
اشاره‌ای اجمالی به برخی از احوال، همراه با تفصیل.....	۲۱۹
اشاره به علاماتی که عارف را بدان می‌توان شناخت.....	۲۲۱

فهرست مطالب / ۹

۲۲۳	تعلیقات مصحح
۲۵۳	فهرست منابع
۲۵۷	تصاویر
۲۶۵	نمایه

مقدمه

یکی از ناشناخته‌ترین دوران تاریخ فلسفه اسلامی، مقطع بین زمان خواجه نصیرالدین طوسی و میرداماد است. اکثر کتب و آثار اندیشمندان این دوره به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور پراکنده‌اند. لذا هم اندیشمندان این دوره ناشناخته‌اند و هم طرز اندیشه آنان بر ما چندان هویدا نیست. جالب آن که در تحقیقی که اخیراً برخی دوستان فاضل درباره نسخه‌های خطی انجام داده‌اند، معلوم شد که از نظر حجم، این دوره بیشترین آثار را در میان تمام ادوار تاریخ فلسفه اسلامی داراست.

در این که این دوران را چه بنامیم نیز بین اهل تحقیق اختلاف نظر است، برخی آن را دوره «فترت» فلسفه اسلامی می‌دانند، اما چنان که در ادامه خواهد آمد، نگارنده به تبع برخی صاحب نظران، نام «مکتب شیراز» یا «حوزه فلسفی شیراز» را برای این دوره بیشتر می‌پسندد. تحقیق و تفحص در این دوره، به خصوص برای شناخت کیفیت تکوین و تکامل حکمت متعالیه ملاصدرا و چگونگی ارتباط آن با دیدگاه‌های فلاسفه قبل از وی، از اهمیت خاصی برخوردار است.

حدود ۱۶ سال قبل اموری چند از جمله مشاهده خلأ پیش‌گفته در تاریخ فلسفه اسلامی، تناسب رشته تحصیلی نگارنده با این مباحث، علقه به شیراز و «مردم صاحب کمالش»^(۱) و در آخر، «تولای مردان این پاک بوم»^(۲) خاطر نگارنده را برانگیخت تا اقدامی برای بازشناسی و احیای مکتب یا حوزه فلسفی شیراز را جزو رسالت‌های علمی خویش قرار دهد. فضای حاکم بر حوزه‌های علمیه و دانشگاه شیراز، که در هر دو توجه

۱. اقتباسی از شعر حافظ:

به شیراز آی و فیض روح قدسی بجوی از مردم صاحب کمالش
۲. اقتباسی است از شعر سعدی راجع به شیراز:
تولای مردان این پاک بوم برانگیختم خاطر از شام و روم

به حکمت و عرفان اسلامی رخت بر بسته بود، نیز نگارنده را بر انجام این کار مصمم تر ساخت.

حاصل این پروژه ایجاد چند درس فلسفه در حوزه‌های علمیه شیراز، تأسیس رشته فلسفه در دانشگاه شیراز و نیز برگزاری چند سمینار ملی و بین‌المللی در باب مکتب فلسفی شیراز در این دانشگاه بود. علاوه بر آن، سلسله مقالاتی که نگارنده تحت عنوان «آشنایی با مکتب شیراز» در مجله پژوهشی خردنامه صدرا نگاشت،^(۱) باعث فتح بابی در زمینه کاوش درباره این مقطع از تاریخ فلسفه اسلامی شد؛ چنان که علاوه بر انتشار مقالات و کتابهای پراکنده در این باب، شاهد تکاپوی علمی در این زمینه در سطح دانشگاه‌های کشور نیز بودیم. در نتیجه، ده‌ها رساله دکتری و کارشناسی ارشد راجع به اندیشمندان این دوره نگاشته شد که نگارنده سمت راهنمایی یا مشاورت برخی از آنها را در تهران، اصفهان، مشهد، قم و شیراز بر عهده داشته است. برخی از این رساله‌ها نیز به صورت کتاب درآمده‌اند. هرچند متأسفانه بعضی از آنها - که بنده راهنمایان نبوده‌ام - از عادت نامیمون «انتحال» پیروی کرده و مقالات این حقیر را، بدون ذکر مرجع، بی‌کم و کاست تحت عنوان رساله ارائه داده‌اند، ولی حداقل این فایده را داشته است که در محافل مختلف توجه به این دوره از تاریخ فلسفه اسلامی برانگیخته شود.

از سوی دیگر، پس از انتشار سلسله مقالات مذکور، استادان و اندیشمندان مختلفی، نگارنده را در تداوم چنین کاری مورد تشویق قرار دادند؛ به خصوص جناب آقای دکتر سید حسین نصر که سلسله مقالات نگارنده را تحت عنوان «آشنایی با مکتب شیراز» در خارج از کشور دیده بودند، با ارسال چند نامه ضمن تشویق نگارنده به تداوم این کار، رهنمودهایی نیز ارائه دادند^(۲) و آن را ضرورتی برای پر کردن خلأ تحقیقات در فلسفه

۱. این مقالات در شماره ۲ تا ۱۱ این مجله به صورت مسلسل چاپ شدند.

۲. در یکی از نامه‌های ایشان آمده است: «بنده چندین سال است که سعی می‌کنم نام «مکتب شیراز» به انگلیسی اشتهار یابد همان طوری که به دنبال کوشش کربن و این بنده نام «مکتب اصفهان» در سراسر جهان جا افتاده است». در همین نامه محورهای زیر را برای ادامه تحقیقات پیشنهاد داده‌اند:

الف. زمینه مکتب شیراز در حوزه فلسفی تبریز و خراسان.

ب. احیای فلسفه مشائی در آذربایجان و تأثیر آن بر مکتب شیراز.

ج. حکمت اشراقی و نفوذ آن در شیراز.

د. رابطه بین عرفان نظری مکتب ابن عربی و مکتب شیراز.

→ ه. کلام اشعری و شیعی و فلسفه در مکتب شیراز.

و. مکتب شیراز و علوم ریاضی و طبیعی.

ز. رابطه بین مکتب شیراز و علمای عثمانی.

ح. مکتب شیراز و سنت فلسفه اسلامی در هند.

ط. رابطه بین مکتب شیراز و مکتب اصفهان.

ی. البته تحقیق پیرامون بزرگان مکتب شیراز و سهم آنها در تلفیق نحل گوناگون که بعداً به حکمت متعالیه ملاصدرا انجامید.

۱. در اینجا مناسب است که گوشه‌ای از پیام ایشان را به اولین همایش مکتب شیراز، که در بهار ۱۳۸۳ در دانشگاه شیراز برگزار شد، بیاوریم:

به نام آن که جان را فکرت آموخت، تشکیل همایش مربوط به حوزه فلسفی شیراز را به بنیان این امر تبریک می‌گویم. در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ مرحوم کربن و این جانب موفق شدیم نام مکتب اصفهان را برای دوره فعالیت حیرت‌آور فلسفی در اصفهان در آغاز عصر صفوی به جامعه علمی غربی بقبولانیم و حتی در خود ایران نیز این نام اشتهار فراوان یافت و در سالهای اخیر توجه زیادی به آثار بزرگان این مکتب به ویژه میرداماد و ملاصدرا مبدول شده است. لکن تاکنون کمتر به زمینه‌ای که این جریان بزرگ فلسفی از آن برخاست توجه شده است؛ انگار که نظام‌های بزرگ فلسفی قرن دهم و یازدهم از خلأ پدید آمده و یا بازگشتی است به دوران شناخته شده قرن هفتم که به دنبال آن فترتی طولانی در سیر اندیشه فلسفی در ایران رخ داده است؛ لکن حقیقت غیر از این است و مکتب اصفهان دوران جدیدی از حیات تفکر فلسفی مکتبی است که به درستی می‌توان آن را مکتب شیراز خواند؛ مکتبی که مرکز جغرافیایی آن، شهر زیبا و دارالعلم مشهور شیراز بوده و حدود تاریخی آن بین دو شیرازی معروف یعنی قطب‌الدین و صدرالدین شیرازی است. در چند قرنی که این دو شخصیت بزرگ فلسفی را از هم جدا می‌کند، شیراز مرکز مهم فلسفه شد و بسیاری از مشاهیر مانند سید شریف جرجانی، از راه دور برای تلمذ به آن دیار می‌آمدند. در این شهر بود که خاندان دشتکی به ویژه صدرالدین و غیاث‌الدین علم فلسفه‌ای را که آمیخته با اشراق و عرفان و کلام بود و پیش درآمدی بود برای ظهور حکمت متعالیه ملاصدرا، برافراشتند و مدرسه منصوریه را بنا کردند که شهرتش در جهان اسلام اشاعه یافت.

از شیراز بود که ملا جلال دوانی با متکلمان و حکمای عثمانی تماس داشت و با آنان در حال رقابت بود و رسایلش مورد توجه و بحث همگان قرار داشت. نیز در شیراز بود که مشعل حکمت توسط بزرگانی همچون شمس‌الدین خفزی از گزند حوادث مصون نگاه داشته شد تا با وحدت دوباره ایران در عصر صفویه به اصفهان انتقال یابد.

این ناشناخته‌ترین دوران تاریخ فلسفی کشورمان یعنی از قرن هشتم تا دهم، با نام شیراز عجین است و تحقیق و تفحص در آن نه تنها برای روشن ساختن یک دوره بسیار سازنده در تاریخ اندیشه ایران به همت فراوان نیاز دارد، بلکه برای شناخت سیر تاریخ فلسفه اسلامی در شبه قاره هند، و تا حدی عثمانی نیز، بسیار مهم است. چه کسی از فتح الله شیرازی در سیر تفکر اسلامی در هند قبل از شاه ولی الله دهلوی، مهم‌تر است؟ در واقع نفوذ مکتب شیراز از هند تا حجاز دیده می‌شود و اهمیت آن در تقریباً تمام جوانب اندیشه فلسفی قرون بعدی در ایران و هند مشهود است.

همچنین در کار سترگی که شخصاً در تاریخ فلسفه اسلامی به تدریج منتشر می‌کنند، به این سلسله مقالات ارجاعات متعددی داده‌اند.^(۱)

از اواخر سال ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر تصمیم گرفت که کنگره بزرگ مکتب شیراز را در آذرماه ۱۳۸۷ در تهران و شیراز برگزار کند. در همین رابطه مسئولان مختلف آن فرهنگستان و به خصوص دبیر محترم کنگره، برادر گرامی جناب آقای دکتر نامور مطلق، با نگارنده تماس گرفته، مسئولیت کمیته حکمت و عرفان این کنگره را به اینجانب واگذار کردند. با ریزنی‌های انجام شده در این کمیته، قرار شد که در آستانه برگزاری این کنگره، برای شناساندن مکتب شیراز کتبی منتشر شود؛ چرا که دستاورد ماندگار این کنگره‌ها چیزی جز انتشار همین کتابها نیست. از همین روی، اینجانب نیز عهده‌دار تألیف کتاب حاضر شدم.

این کتاب دارای دو بخش است. بخش اول در صدد معرفی اجمالی حوزه فلسفی شیراز برآمده، سپس به تفصیل به غیاث‌الدین منصور دشتکی پرداخته است که سرآمد فیلسوفان این دوره و نقطه اوج مکتب فلسفی شیراز محسوب می‌شود. برای این کار ابتدا تصویری از مکتب شیراز به طور کلی ارائه داده و آن گاه سیر این مکتب را از قطب‌الدین شیرازی تا غیاث‌الدین منصور پی گرفته‌ایم. به علت اهمیت سید سند و محقق خفری، دو فصل مجزا به این دو اندیشمند اختصاص داده‌ایم. پس از آن به تفصیل به غیاث‌الدین منصور پرداخته‌ایم. در آخر نیز نگاهی گذرا به علل افول حوزه فلسفی شیراز پس از غیاث‌الدین منصور، انداخته‌ایم.

→ به علاوه، مکتب شیراز از خصوصیتی خاص برخوردار بود که باید در آینده توجه بیشتری به آن بشود و آن فعالیت مهم علمی به خصوص در زمینه نجوم و ریاضیات توأم با فلسفه بود و حکمای این مکتب مانند دشتکی‌ها و خفری، علمای مهمی نیز در زمینه رشته نجوم و ریاضیات و غیره بودند و از این جهت بیشتر به خواجه نصیر و قطب‌الدین شیرازی شباهت داشتند تا به حکمای مکتب اصفهان که در فلسفه دنباله‌رو مکتب شیراز و در عین حال ایجادکننده نظریات جدید فلسفی بودند، ولی برعکس اسلاف خود در شیراز، توجهی چندان به علوم نداشتند، به استثنای شیخ بهایی که اتفاقاً او بیشتر فقیه و صوفی بود تا فیلسوف. به هر حال مکتب شیراز هم از لحاظ تاریخ فلسفه و هم از لحاظ تاریخ علوم اسلامی، از نهایت اهمیت برخوردار است. از درگاه احدیت مسئلت دارد که این همایش با تأییدات او به بهترین وجه انجام گیرد.

۱. مراد کتاب ایشان است تحت عنوان:

در بخش دوم کتاب برای معرفی غیاث‌الدین منصور و طبعاً ارائه تصویری از حکمت و عرفان این دوره، یکی از رساله‌های غیاث‌الدین منصور را تحت عنوان «منازل السائرین و مقامات العارفين» همراه با ترجمه و تعلیقات آورده‌ایم. نظر به مطالب طرح شده در این رساله، می‌توانیم آن را به نوعی «فلسفه عرفان» قلمداد کنیم که نگاهی درجه دوم و فلسفی به مباحث عرفان عملی انداخته است و به شکلی می‌توان آن را با فلسفه‌های مضاف و مباحث کلام جدید و تجربه دینی مربوط ساخت.

در اینجا از همه کسانی که در نگارش این کتاب، نگارنده را یاری رسانده‌اند و همچنین از مسئولان محترم فرهنگستان هنر که به برگزاری این کنگره و انتشار این کتاب همت گماشتند، تشکر می‌کنم و این اثر ناقابل را به روح پرفروش عارف ربانی و مجدد حوزه عرفانی مکتب شیراز، حضرت آیت الله نجابت شیرازی (ره)، تقدیم می‌نمایم و امید آن دارم که این اثر، مقبول طبع پژوهندگان تاریخ حکمت و عرفان قرار گیرد و نگارنده از پیشنهادات و انتقادات سازنده ایشان محروم نماند.

و ما توفیقی الا بالله

قاسم کاکایی

دانشگاه شیراز - شهریور ۱۳۸۷

بخش اول
مکتب شیراز
و
غیاث‌الدین منصور دشتکی

فصل اول

مکتب شیراز قبل از ملاصدرا

اگر بناست ملاصدرا و حکمت متعالیه را بازشناسیم، نمی‌توانیم از فضای فرهنگی شیراز قبل از ملاصدرا چشم‌پوشیم. شیراز نه تنها زادگاه طبیعی ملاصدرا است، بلکه زادگاه فرهنگی اندیشه او و خاستگاه تاریخی حکمت متعالیه نیز محسوب می‌شود. پرداختن به این نکته هم به شناخت دقیق‌تر ملاصدرا و مکتب فلسفی او یاری می‌رساند و هم به تحقیق در باب ناشناخته‌ترین و مبهم‌ترین دوران تاریخ فلسفه اسلامی در ایران کمک می‌کند که فاصله بین قرن هفتم و نهم و حتی تا حدودی قرن دهم هجری قمری را شامل می‌شود؛ دورانی که بعضی به غلط آن را دوره «فترت» خوانده‌اند، لیکن باید به حق آن را «مکتب شیراز» نام نهاد.

در تمام این دوران، شیراز را باید «دارالعلم» ایران و پاسدار فرهنگ، ادب و به خصوص حکمت اسلامی دانست. این سخن گزاف نیست؛ چرا که در زمینه ادب، ظهور سعدی و حافظ، بزرگ‌ترین غزلسرایان ایران و استادان مسلم سخن‌پارسی، در قرن هفتم و هشتم ما را از هر شاهد دیگری بی‌نیاز می‌کند. در باب حکمت نیز، مدت چهار قرن، یعنی فاصله بین خواجه طوسی و میرداماد، نام شیراز و متفکران آن سامان بر تارک اندیشه فلسفی و علوم عقلی جهان اسلام می‌درخشید. ظهور بزرگانی چون قاضی بیضاوی (م. ۶۸۱ق)، علامه قطب‌الدین محمود شیرازی (م. ۷۱۰ق)، قاضی عضدالدین ایجی (م. ۷۵۶ق)، میر سید شریف جرجانی (م. ۸۱۶ق)، میر صدرالدین محمد دشتکی (م. ۹۰۳ق)، علامه جلال‌الدین دوانی (م. ۹۰۸ق)، میر غیاث‌الدین منصور دشتکی (م. ۹۴۸ق) و فاضل خفّری (م. ۹۵۷ق) در شیراز، مدعای مذکور را به خوبی اثبات می‌کند. از همین روست که بزرگ‌ترین فیلسوفان جهان اسلام بعد از مرحوم خواجه